



باورهای عامیانه ترکمنان (بخش ششم)

# باورهای مرتبط با جانوران

قسمت پنجم



■ ترجمه و تألیف: آناوردی کریمی

نویسنده، مترجم و پژوهشگر

فرهنگ و ادبیات ترکمن

## ■ مقدمه

در شماره‌های پیشین فصلنامه میرداماد (شماره‌های ۳، ۳۱، ۳۲-۳۳ و ۳۴-۳۵) بخش‌های نخست تا چهارم باورهای قوم ترکمن در ارتباط با جانوران، با باورهای مرتبط به «آب‌دزدک» شروع شده و به باورهای مربوط با «مادیان» ختم شد. در این شماره، بخش پنجم مقاله با باورهای قوم ترکمن در مورد «مار» شروع شده و به باورهای مرتبط با «مارمولک» خاتمه می‌یابد. در شماره آتی فصلنامه نیز قسمت پایانی مقاله با باورهای مربوط به «ماهی» شروع شده و با باورهای مرتبط با «بیوزپلنگ» خاتمه می‌یابد. هم‌چنین در پایان مقاله، مجموعه‌ای از باورهای مختلف در ارتباط با جانوران گوناگون ذکر خواهد شد. اطلاعات مندرج در این مقاله با تلفیقی از شیوه‌های مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی و گفتگوهای شفاهی گردآوری شده است.

## قسمت پنجم

## ■ مار (بیلان- یئلان- ئیلان)

در فرهنگ‌های کهن، مانند فرهنگ‌های ایران باستان، یا هند، چین، مصر، یونان و روم باستان، مار به شکل‌های گوناگونی نمادسازی شده، گاهی دارای نقش منفی و گاهی نقش مثبت است، اما در تمامی این فرهنگ‌ها علاوه بر تمامی نمادسازی‌هایی که از مار صورت گرفته، مار به عنوان نماد جاودانگی و شفابخشی شناخته می‌شده است؛ چنان‌که در فرهنگ ایران باستان نیز مار نماد اهریمن و فریبکاری، مرگ، باروری و زاینده‌گی، جاودانگی و شفابخشی و ... است. به نظر می‌آید ویژگی پوست‌اندازی مار و چنبره زدن آن و هم‌چنین زنده ماندن انواع معدودی از مارها درحالی که دم آن‌ها قطع شده، همگی دلایل تبدیل مار به نماد جاودانگی بوده و خواص دارویی نیش برخی از مارها و ساختن دارو و پادزهر از سم موجود در زهر برخی از مارها دلیل تبدیل شدن آن به نماد شفا بوده است. اما از سوی دیگر، ویژگی‌هایی چون گزندگی، نیش زهرآگین و گشونده، ناپدید شدن ناگهانی آن در دنیای ناشناخته‌ی زیر زمین، از این جانور چهره‌ای اهریمنی ساخته است؛ چنان‌که در اغلب ادیان کهن مار سمبل اهریمن و شیطان و نیز نماد فریبکاری است.

یکی از خزندگانی که در پهنه‌ی تاریخی زیستگاه ترکمن‌ها دارای جمعیت زیادی بوده، انواع مارها هستند، که ترکمن‌ها در طول تاریخ در محیط سکونت و مسیر تردد خود با انواع گوناگونی از آن‌ها، اعم از مارهای کوچک و گول‌آسا، یا سمی و غیرسمی مواجه شده و رویدادهای مختلفی را تجربه کرده‌اند. برخلاف آن‌که پژوهش‌های جانورشناسی معاصر به وضوح بیانگر این است که درصد قابل توجهی از انواع مارها غیرسمی و بی‌خطر هستند، اما در گذشته و حتی در جوامع سنتی کنونی نیز به دلیل عدم شناخت کافی نسبت به مارها، این خزندگان، موجوداتی خطرناک و آسیب‌رسان قلمداد شده و کسانی که با مارها مواجه می‌شوند، غالباً در ابتدایی‌ترین واکنش و در رفتاری به نسبت غریزی اقدام به گشتن مارها می‌کنند. ترکمن‌ها نیز به عنوان اقوامی که محیط زندگی آنان به نوعی با محیط زندگی گونه‌های مختلفی از مارها مشترک بوده، از این قاعده مستثنی نبوده‌اند، اما هرچه شناخت تجربی آنان نسبت به انواع مارها و رفتارهای مختلف این جانور خزنده بیشتر شده، واکنش‌های متفاوتی را از خود بروز داده و تجربیات زیستی خود در ارتباط با جانوران را در قالب باورداشت‌های گوناگون انتقال داده‌اند. به‌طور کلی در میان اقوام ترکمن مارها نمادی منفی و یا به عبارت دیگر نمادی در تضاد با منافع زیستی بشر قلمداد می‌شوند و تنها در موارد معدودی -آن‌هم در علم تعبیر خواب- ممکن است از دیدن مار در خواب، تعبیری مثبت استخراج شود. این باور در فرهنگ ترکمن تبدیل به ضرب‌المثل «یئلانی دؤیشونگده گؤربینگ گنج، هوشونگدا گؤربینگ پنج» شده است؛ یعنی «اگر مار را در خواب دیدی، نشانه گنج است، ولی اگر در بیداری دیدی، آن را بزن».

البته این درحالی است که ابن‌فضلان در سفری که در اوایل سده‌ی چهارم هجری به سرزمین باشقیر داشته، ضمن اشاره به این‌که تا آن زمان هنوز ترکمنان دین اسلام را نپذیرفته‌اند، به گروهی از ترکمنان

باشقیر اشاره کرده است که مار را می‌پرستیدند؛ چنان‌که در نمادشناسی تُرک‌های باستان، اژدها (اورن) که به شمایل مار یا مارمولک غول‌آسا تصور شده، به عنوان نماد قدرت شناخته و ستایش می‌شده است.

با وجود این‌که مارها در باورهای اقوام ترکمن مسلمان به‌طور کلی نقش منفی ایفا می‌کنند، اما طبق باورهای مختلف در بین ترکمن‌ها، نحوه‌ی برخورد و مواجهه با مار، وجوه گوناگون و گاهی متضاد دارد؛ چنان‌که طبق برخی از باورها به محض مواجهه با مارها، باید آن‌ها را کُشت و براساس برخی باورهای دیگر

باید از کُشتن و حتی راندن مار خودداری کرد. هرچند این باورها در ظاهر باهم متضاد و متناقض هستند، لکن وجه اشتراک بین هردو باور، ترس آن‌ها از خطرات و تهدیدهای مادی و معنوی مار است. به عبارت دیگر برای گروهی از اقوام ترکمن نه تنها مار زنده، بلکه مُرده‌ی آن هم ترسناک و تهدیدآمیز بوده است! در ادامه به برخی از باورهای قوم ترکمن، در ارتباط با «مار»، اشاره خواهد شد.

#### ■ نقش مار در حاشیه فرش ترکمن

نقش مار در قالی ترکمن، در نزد این قوم صحراگرد نماد بدئیمی می‌باشد و سمبلی است از بلاهای طبیعی، که در مسیر کوچ با آن مواجه بوده‌اند. بر این اساس، به منظور دفع بدئیمی، نقش مار در حاشیه فرش‌های ترکمن به‌کار می‌رود.

#### ■ توصیه به کُشتن یا راندن مار

در میان ترکمن‌ها این باور وجود دارد که «اگر ماری را دیدی، بهتر است آن را بگُشی، چون مار خطرناک است و ممکن است آدم را بگزد و یا دست‌کم باید یک سنگ به سوی آن پرتاب کرد» و آن را از خود و محیط زندگی خود دور نگاه داشت. در دین زرتشتی –مانند بسیاری از ادیان کهن دیگر- اهریمن قادر است به شکل مار درآمده و بدین صورت به هر مکانی وارد شود. هم‌چنین زرتشتیان بر این باور بوده‌اند که خرفستران (جانوران موزی) زاده‌ی اهریمن و دشمن اهورامزدا و انسان و طبیعت هستند و در رأس خرفستران، مار به عنوان پلیدترین جانور موزی شناخته می‌شده است. براساس همین باورها، طبق متون کهن زرتشتی، لازمه‌ی بهدینی (ایمان به دین زرتشتی)، کُشتن خرفستران و در رأس آنان کُشتن مار بوده است. چنان‌که در کتاب بندهش در ایباره آمده: «پیداست که هر بهدینی یکی غن باید داشتن که خرفستران و گناهکاران را بدان زَند و کُشد تا کرفه‌مندتر شود» واژه‌ی «غن» در ادبیات زرتشتی به معنی چوبدستی است و جالب این‌جاست که آن چوبدستی مقدّس که مخصوص کُشتن خرفستران و گناهکاران بوده، «مارغن» نام داشته و در همان بندهش در توصیف مارغن نوشته: «مارغن چوبی است و بر سرِ آن چرمی آراسته است». در واقع با این‌که این چوب مخصوص کُشتن انواع جانوران موزی بوده، ولی چون در باور زرتشتیان مار در رأس جانوران موزی قرار داشته، این چوبدستی را «مارغن» یعنی «چوبِ



نماد مار در فرش ترکمن

مار» یا «چوب مارگش» نامیده‌اند. علاوه بر این، بنابر متون مقدّس زرتشتی، از جمله شرط‌های پذیرش توبه و طلب آمرزش برای گناهان بزرگ، گشتنِ مار بوده است.

بنابر باوری دیگر در بین اقوام ترکمن، اگر کسی بنا به دلایلی مجبور شود که مار را بگشود، باید پس از این که مار را گشت، سرش را جدا کرده و آن را دفن کند؛ زیرا اگر ماری که گشته شده، به سرعت دفن نشود، آن مار با دیدن ستاره زنده می‌شود، یا به عبارت دیگر اگر سرِ مارِ مُرده، ماه را ببیند، دوباره زنده خواهد شد.

به نظر می‌رسد این باور ریشه در باورهای کهن قوم ترکمن داشته و تحت تأثیر شمن باوری، طبیعت‌گرایی و دانش سنتی ستاره‌شناسی و گاهشماری ۱۲ حیوانی نزد این قوم بوده باشد؛ چراکه در علم نجوم و ستاره‌شناسی کهن، افسانه‌های مرتبط با صورت فلکی «ایلان» (بیلان)، یا «مار»، یا «سرینس»، یا «اَقیس» و یا «حِیّه» و هم‌چنین صورت فلکی «افیوخوس»، یا «مارافسا» و یا «حوّا»، که به آن «حامل مار» یا «مارگیر» نیز می‌گویند، تا حدودی یادآور این باور قوم ترکمن در ارتباط با جدا کردنِ سرِ ما و نیز زنده شدنِ مار در صورت دفن نکردنِ آن است؛ صورت فلکی مار (حِیّه) یک صورت فلکی دوطاره است که یک پاره‌ی آن به شکلِ سرِ مار و پاره‌ی دیگر به شکلِ دمِ مار است. در بین این دوطاره؛ یعنی بین سر و دمِ مار صورت فلکی دیگری به نام «مارگیر» یا «حوّا» وجود دارد، که به شکل مردی تصویر شده، که ماری در دست دارد. طبق افسانه‌های کهن، یک طبیب یا شفابخش اسطوره‌ای ماری را می‌گشود و بعد از مدتی می‌بیند که ماری دیگر درحالی که گیاهی در دهان دارد، به مارِ مُرده نزدیک شده، گیاه را بر روی بدنِ مارِ مُرده قرار می‌دهد و بدین واسطه مارِ مُرده زنده می‌شود. آن شخص شفابخش نیز گیاهی که موجب زنده شدنِ مارِ مُرده شده را شناسایی کرده، از آن پس به وسیله‌ی آن گیاه مردگان را زنده می‌کند. در اساطیر یونانی و رومی این شخص شفابخش «اسکلپیوس» (اسکولاپیوس) نام دارد، که همان خدای طب و پسر آپولو است. طبق این افسانه، «هادس» (پلوتون) که خدای جهان زیرین و عالم اموات است و روح مردگان را

به تسخیر خود درمی‌آورد، وقتی می‌بیند که اسکلیپیوس مردگان را زنده کرده و روحی که باید به تسخیر خدای اموات درآید را از او می‌گیرد، عصبانی شده و به برادر خود «زئوس» که پادشاه خدایان است، از اسکلیپیوس شکایت می‌کند. زئوس نیز با صاعقه‌ی خود اسکلیپیوس را می‌گشود. وقتی آپولو متوجه می‌شود که پسرش توسط زئوس گشته شده، اندوهگین می‌شود و به



صور فلکی مار (حِیّه) و مارگیر (حوّا)

برگرفته از نسخه خطی کتاب صور کواکب - کتابخانه ملی ملک، شماره: ۱۳۹۳.۰۴.۰۶۰۳۷

درگاه زئوس شکایت می‌کند. زئوس نیز برای جلب رضایت آپولو، پسرش اسکلیپوس را به آسمان برده و جایگاه مناسبی در آسمان به او می‌دهد. هم‌چنین آن مار شفاف‌دهنده را نیز در آسمان در دستان اسکلیپوس قرار می‌دهد. بنابراین این‌گونه است که صورت فلکی مارگیر یا حامل مار یا همان صورت فلکی «حوا» پدید می‌آید. این افسانه نه‌فقط در بین یونانیان و رومیان، بلکه با اندک تفاوت‌هایی در بین اغلب تمدن‌های کهن وجود داشته و تنها نام شخصیت‌ها متفاوت است. این موضوع که امروزه مار نماد و نشان علم پزشکی و داروسازی است، ریشه در همین افسانه‌ی کهن دارد.

علاوه بر دو صورت فلکی «مار» و «مارگیر» دو صورت فلکی دیگر در ارتباط با مار وجود دارد، که یکی صورت فلکی «هیدرا» که به نام‌های «مار آبی»، «مار آبی بزرگ»، «مار باریک» و «شجاع» نیز شناخته می‌شود و دیگری صورت فلکی «هیدروس» که با نام‌های «آبمار» یا «مار آبی کوچک» نیز معروف است. مار آبی بزرگ یا «هیدرا» طولانی‌ترین صورت فلکی است. طبق افسانه‌های کهن بین‌النهرین، یونان و روم باستان، مار آبی بزرگ، در واقع ماری غول‌آسا و دارای سرهای متعدد بوده



### صورت فلکی شجاع یا مار آبی بزرگ (هیدرا)

برگرفته از نسخه خطی کتاب فصول الطبری - کتابخانه ملک،

شماره: ۰۴۰۳۳۳۳۳-۱۳۹۳

است، که تعداد سرهای او از پنج سر تا یکصد سر ثبت شده، ولی معروف‌ترین روایت‌ها به تعداد نُه سر اشاره دارد. این مار نگهبان جهان زیرین و فناپذیر بوده است. ویژگی این مار این بوده که یکی از سرهای او به هیچ عنوان آسیب نمی‌دیده و باقی سرهای او اگر قطع می‌شده، سر دیگری جای آن می‌رویید است. البته بنابر برخی روایات، اگر هر یک از سرهای این مار را می‌بریدند، جای آن سر بریده، دو سر می‌رویید و این‌گونه بوده که تعداد سرهای او از نُه سر به یکصد سر افزایش یافته است. بنابراین، باور قوم ترکمن مبنی بر زنده شدن دوباره‌ی مار، می‌تواند ریشه در افسانه‌ی مار نُه‌سر (هیدرا) نیز داشته باشد؛ چراکه این مار اسطوره‌ای هم فناپذیر است و هم جای سر بریده‌ی او سر دیگری می‌رویید. در ارتباط با این‌که طبق باور ترکمن‌ها «اگر سر بریده‌ی مار به ستاره یا ماه نگاه کند، دوباره زنده خواهد شد»، نیز احتمالاً سر مار با دیدن صورت فلکی هیدرا (صورت فلکی مار بزرگ)، یا آفوس (صورت فلکی مار) به این قابلیت نایل می‌شود! البته در آیین میترا، نه‌تنها مار چهره‌ای منفی ندارد، بلکه در ماجرای عروج میترا به آسمان، این مار است که نقش راهنما و رساننده‌ی میترا به آسمان را ایفا می‌کند و در این آیین پیوندی بین مار و ماه - به عنوان نمادهای باروری و زاینده‌گی - وجود دارد. بنابراین به‌نظر می‌رسد برخی از باورهای قوم ترکمن در ارتباط با مار، محصول اختلاط نمادهای مثبت و منفی مار در دوران اساطیری است.



صورت فلکی هیدروس یا مار آبی کوچک نیز طبق افسانه‌های کهن، ماری کوچک اما گشنده بود که وارد دهان موجودات شده، از گلوی آن‌ها به داخل بدن آن‌ها نفوذ کرده و بدون این‌که خودش آسیبی ببیند، آن‌ها را از درون نابود می‌کرد. علاوه بر این، صورت فلکی «اژدها» یا «دراکون»، که به «درا» نیز مشهور است، به شکل یک مار-اژدها تصویر شده و ریشه در اسطوره‌ی «تیامات» (تیامت) بین‌النهرین دارد. طبق افسانه‌ی کهن آفرینش بابلی، تیامات ایزدبانوی آب و نخستین مادر عالم بود، که توسط خدای شهر بابل موسوم به «مردوک» گشته و بدن او به دونیم شد. سپس مردوک از یک نیمه‌ی بدن تیامات آسمان و از تگه‌ی دیگر آن زمین را بنا کرد. می‌بینیم که این باور ترکمنان مبنی بر نگاه کردن سر بریده‌ی مار به ستاره و دوباره زنده شدن آن، با اسطوره‌ی صورت فلکی اژدها (تیامات) نیز قابل تطبیق است. البته نباید جایگاه مقدس آسمان نزد ترکمنان را فراموش کرد؛ چنان‌که ابن‌فضلان در اوایل سده‌ی چهارم هجری، در معرفی گروهی از ترکمنان ساکن باشقیر (باشگرد)، که هنوز دین اسلام را نپذیرفته بودند، آن‌ها را قایل به ۱۲ خدا دانسته، که در رأس این ۱۲ خدا، خدای آسمان قرار داشته و با نام «تنگری»<sup>۳</sup> شناخته می‌شده است. البته این امر نه تنها برای اقوام ترکمن، بلکه برای تمامی اقوام کوچ‌رو و حتی تمامی اقوام کهن امری طبیعی بوده است؛ چراکه بخش عمده‌ای از حیات آنان به آسمان وابسته بوده و همواره چشم به آسمان داشته‌اند. در باوری دیگر نزد قوم ترکمن، اگر مار گشته شده دفن نشود، جفت او برای انتقام خواهد آمد و گشنده‌ی مار را نیش خواهد زد. این افراد بر این باورند که چهره‌ی قاتل مار در چشمان مار نمایان است، بنابراین جفت مار با دیدن چشم مار گشته شده، چهره‌ی قاتل را دیده، او را شناسایی

کرده و می‌گشند. این باور نیز احتمالاً از تجربه‌های حاصل از آیین‌های شمنی، توسط کسانی که در بین قوم ترکمن قادر به صید مار بوده‌اند، ریشه گرفته است؛ چراکه چشم برخی از مارها مانند آینه تصاویر پیرامون خود را انعکاس می‌دهد.



**عکسی از چشم مار که تصویر عکاس و  
منظره‌ی پشت سر آن  
در چشم مار منعکس شده است**

یک باور دیگر در میان همه ایلات ترکمن وجود دارد و آن این‌که مار در خواب نشانه‌ی گنج و در بیداری نشانه‌ی خطر است؛ چنان‌که می‌گویند: اگر مار را در خواب ببینی، به گنج و ثروت تعبیر می‌شود و علامت رسیدن به مال و منال است؛ ولی اگر در عالم واقع ماری را دیدی، چون مار

خطرناک است و ممکن است آدم را بگذرد، بهتر است آن را بگوشی. ضرب‌المثل ترکمنی «ییلانئ دویشونگده گورسینگ گنج، هوشونگدا گورسینگ پنج» به معنی «اگر مار را در خواب دیدی، نشانه گنج است، ولی اگر در بیداری دیدی، آن را بزن»، یادآور این باور است. البته این باور مربوط به وجود مار در خانه نمی‌شود، بلکه مربوط به دیدن مار در بیرون از خانه است.

گروهی از ترکمنان بر این باورند که اگر کسی ماری را ببیند و فریاد بزند: «ییلان!» یعنی «مار!»، مار با شنیدن اسم‌اش سریع از آن جا فرار می‌کند.

### ■ توصیه به خودداری از گشتن و آزار رسانیدن به مار

برخلاف برخی باورها که گشتن مار را توصیه می‌کنند، در برخی از باورهای ترکمن توصیه‌هایی در مورد منع گشتن مار در شرایط مختلف وجود دارد، که از آن جمله منع گشتن مار خوابیده است. طبق باور ترکمن‌ها، افراد باید از گشتن و ضربه زدن به مار - به خصوص به ماری که خوابیده است - خودداری کنند؛ چون همان‌طور که مار به شخصی که خوابیده آزاری نمی‌رساند، انسان نیز هیچ وقت نباید به مار خوابیده آزار برساند، چراکه این کار شگون ندارد و حتماً جفت آن مار انتقام خواهد گرفت.

در باور دیگری مشابه باور یادشده، ترکمنان اعتقاد دارند مار زمانی به انسان آسیب می‌رساند که از جانب انسان احساس خطر کند، یا به بیان دیگر، حمله‌ی مار به انسان، نوعی حالت تدافعی درمقابل حمله‌ی انسان است. براساس این طرز فکر، سالورها معتقدند اگر انسان با مار کاری نداشته باشد، مار هم با انسان کاری نخواهد داشت، بنابراین به محض دیدن مار نباید به فکر گشتن مار بود، یا اقدام به آزار آن کرد. از دیگر شرایطی که موجب توصیه به منع گشتن مار می‌شود، زمانی است که مار در حال نوشیدن آب است؛ طبق باور ترکمن‌ها، موقعی که مار آب می‌نوشد، نباید آن را گشت؛ چون این کار خوبیت ندارد و بدیمن است.

طبق باوری عمومی، در مکان‌های مقدس مثل زیارتگاه‌ها، امامزاده‌ها، تکیه‌ها و... که حیوانات خاصی در اطراف آن می‌زیند - هرچند این حیوانات مودی باشند - گشتن آن‌ها باعث اثر سوئی در زندگی افراد می‌شود و کسی که حیوان را گشته، باید با بخشیدن چیزی، یا ریختن خونی، از عواقب آن جلوگیری کرده و بلای پیش‌رو را خنثی کند.

در همین ارتباط، ترکمن‌ها هم بر این باورند که هر نوع حیوان که در اطراف زیارتگاه‌ها هست را نباید گشت؛ چون این‌گونه تلقی می‌شود که آن حیوان برای زیارت آمده است و این موضوع در مورد مار هم صدق می‌کند.

مورد دیگر در منع گشتن مار، زمانی است که مار داخل خانه یا آلاچیق باشد؛ بنابراین گروهی از ترکمن‌ها باور دارند که اگر مار وارد خانه شود، نباید آن را گشت. چون اگر در چنین حالتی مار را بگوشی، بدبختی به همراه خواهد داشت و هم‌چنین «بدی، بلا و مصیبت می‌آید». نخورلی‌ها هم بر این باور هستند که اگر ماری وارد خانه شد، بهتر است آن را نگوشی، البته این موضوع به رنگ مار هم بستگی دارد؛ یعنی در صورتی که رنگ مار سفید باشد، نباید آن را گشت. از یک سو احتمال دارد که این باور در پیوند با

دیگر باورهای فرهنگی قوم ترکمن پدید آمده باشد؛ چنان‌که ترکمن‌ها برای میهمان - در هر جایگاهی که باشد - ارزش زیادی قایل هستند و حتی اگر دشمن خونی‌شان به عنوان میهمان بر آن‌ها وارد شود، او را ارج نهاده و نوعی برکت می‌دانند. بنابراین ممکن است طبق همین باور، ماری که به داخل محل زندگی آن‌ها آمده، قابل تطبیق با دشمنی باشد که میهمان آن‌ها شده است! در واقع همان‌طور که باور دارند ماری که در زیارتگاه است، حکم زائر را دارد، احتمالاً این باور نیز وجود داشته که جانوری که وارد خانه می‌شود، حکم میهمان را دارد. از سوی دیگر، در زندگی سنتی ترکمن‌ها - در آلاچیق یا همان اوی - و حتی در زندگی معاصر روستایی آنان، احتمال وجود برخی جوندگان موذی مانند انواع موش‌ها وجود دارد و مار نیز شکارچی این نوع جوندگان محسوب می‌شود؛ بنابراین براساس تجربه‌های زیستی و نیز شناختی که ترکمن‌ها از انواع مارهای موجود در محیط زندگی خویش حاصل کرده‌اند، وجود مار در خانه را برای شکار جوندگان موذی - که به دارایی آنان آسیب می‌رساند - مغتنم می‌شمرده‌اند.

شرایط دیگری که با باورهای منع کشتن مار همراه است، این است که رنگ مار سفید باشد. همانند نخورلی‌ها که گشتن مار سفید را جایز نمی‌دانند، در میان ترکمنان مورچلی نیز این باور وجود دارد که «نباید مار سفید را گشت. حتی اگر در خانه باشد». نکته‌ای که در مورد این باور نخورلی‌ها و مورچلی‌ها وجود دارد، این است که برخلاف گروه قبلی ترکمن‌ها که اعتقاد دارند ماری که در داخل خانه است را نباید گشت، اینان باور دارند که وقتی مار داخل خانه بیاید باید آن را گشت، مگر آن‌که «مار سفید» باشد، که در این صورت گشتن آن جایز نیست.

در ارتباط با منع گشتن مار سفید، در میان ترکمنان سالور هم این باور وجود دارد، که اگر در حیاط خانه مار سفید دیده شود، نباید آن مار را گشت. در واقع ترکمنان سالور بر این باورند که مار سفید از گنج محافظت می‌کند؛ یا به عبارت دیگر، وقتی کسی مار سفید را می‌بیند، نشانه‌ی این است که آن مار از گنج محافظت می‌کند. حال اگر کسی که این مار را دیده، آن را گرامی بدارد و یا با آن کاری نداشته باشد، آن گنج نصیب او خواهد شد، اما اگر به آن مار آسیبی وارد کرده و آن را بگشود، به آن گنج دست نخواهد یافت. بدین واسطه، سالورها گشتن مار سفید را بدشگون می‌دانند.

مارهای سفیدرنگ درصد بسیار کمی از انواع مارها را تشکیل می‌دهند و به عبارت دیگر مارهای سفید جزو استثنائات رسته‌ی مارها محسوب می‌شوند. در واقع می‌توان گفت مارهایی که سفید هستند، نوع یا گونه‌ی خاصی از مارها قلمداد نمی‌شوند، بلکه ممکن است متعلق به هر نوع و گونه از مارها، اعم از سمی و غیرسمی، باشند که به دلیل ابتلا به «آلبینیسم» یا «زالی»، فاقد رنگدانه در پوست خود بوده و غالباً قدرت بینایی ضعیفی داشته و یا حتی ممکن است کور باشند. بنابراین به دلیل عدم امکان استتار و قدرت دید ضعیف و هم‌چنین حساسیت در مقابل نور خورشید، نسبت به سایر مارها آسیب‌پذیرتر بوده و امکان بقای ناپایدارتری داشته و در نتیجه جمعیت اندکی دارند. نکته‌ی جالب توجه در این ارتباط این است که در فرهنگ‌های کهن پدیده‌ی زالی یا آلبینیسم نوعی موهبت الهی محسوب شده و انسان یا هر جانور زال (آلبینو)، نوعی موجود مقدس و مبارک بوده است؛ چنان‌که در بین اقوام کهن برای یک



شخص زال قدرت‌های ماوراءالطبیعه قایل بوده و اغلب زال‌ها در قبایل بدوی نقش قدیسی افسونگر و شفابخشِ قبیله را ایفا می‌کرده‌اند. در بین اقوام ترکمن نیز علاوه بر این‌که هر شکل از رنگ سفید-در هر قالب و محتوا- دارای ارزش‌های مادی و معنوی بی‌شماری بوده، شخص زال نیز موجودی مقدس و دارای قدرت‌های معنوی ممتاز قلمداد شده و معمولاً به رتبه‌ی «ایشان» یعنی روحانی صوفی نایل گردیده و با لقب «آق‌ایشان» یعنی ایشان سفید، شناخته می‌شده است. بنابراین صرف نظر از این‌که ترکمنان در مورد مار سفید، از ابتلای آن به پدیده‌ی زالی مطلع بوده‌اند یا خیر؟ به صرف این‌که رنگ این مار سفید بوده و مارهای سفید نیز کمیاب و نادر بوده‌اند، برای آن تقدس قایل می‌شده‌اند. از دیگر سو با وجود این‌که میهمان پنداشتن ماری که وارد خانه شده-مخصوصاً مار سفید به عنوان میهمان مبارک و مقدس- ریشه‌ی فرهنگی دارد، لکن با توجه به توضیحاتی که در مورد پدیده‌ی زالی و عدم مقاومت

مارهای زال در مقابل تابش نور خورشید بیان شد، می‌توان گفت از نظر علمی مار سفید برای فرار از تابش نور خورشید، به داخل خانه‌های ترکمن‌ها پناه آورده و باور و رفتار ترکمن‌ها نسبت به موجودی که به آن‌ها پناه آورده، باور و رفتاری درست و انسانی بوده است.



تصویری از مار سفید  
مبتلا به زالی (آلبینیسم)

#### ■ باورهای مرتبط با مار و دفع چشم‌زخم

گروهی از ترکمنان بر این باورند که اگر به دهان مار تُف کنی، آن مار می‌میرد و کسی که در دهان مار آب‌دهان انداخته، دیگر مورد چشم‌زخم قرار نمی‌گیرد. طبق باور سایر اقوام مسلمان، اگر شخص روزه‌دار به دهان مار تُف کند، مار خواهد مُرد. هم‌چنین طبق روایات اعتقادی دیگر ساکنان سرزمین ایران، اگر شخصی در دهان خود نشادر بخیساند و آن‌گاه در دهان مار تُف کند، مار بلافاصله خواهد مُرد. هم‌چنین در بین گروهی از ترکمنان این باور رواج دارد که اگر پوست مار به حیوانات (حیوانات اهلی و خانگی) خورانده شود، آن حیوانات مورد چشم‌زخم قرار نمی‌گیرند.

#### ■ دیدن مار در خواب

دیدن مار در خواب، در بین اقوام مختلف و فرهنگ‌های ملل سراسر جهان از دوران باستان تاکنون، به گونه‌های مختلفی تعبیر شده است. البته در علم تعبیر خواب، این‌که مار دارای چه شکل و رنگی باشد، مار را در چه حالتی ببینی، مار چه رفتاری از خود نشان دهد و شخصی که در خواب با مار مواجه شده، چه عکس‌العملی در مقابل مار داشته باشد، در چه ماهی از سال و چه ساعتی از شبانه‌روز خواب مار ببینی

و این که آیا قبل از خواب به مار فکر می‌کرده‌ای یا خیر؟ همگی در تعبیر نماد مار در خواب مؤثر است. از همه مهم‌تر این که تعبیر نماد مار در خواب، نزد هر قومی، ریشه در باورهای آن قوم نسبت به مار دارد. بنابراین با توجه به این که مار در باورهای قوم ترکمن به‌طور کل نقش منفی دارد، لذا عموماً به عنوان نمادی منفی تعبیر می‌شود. البته این بدان معنی نیست که اگر مار را در خواب ببینی، آن خواب تعبیر بدی دارد، چرا که اگر شخص در خواب بر مار غلبه کرده باشد، تعبیر خواب مثبت و خوب خواهد بود. اما با این وجود ترکمن‌ها دیدن مار در خواب را خوب نمی‌دانند و می‌گویند: اگر کسی مار را در خواب ببیند، تعبیرش این است که دشمن دارد و برای این خواب [و دفع شرّ دشمن] باید در راه خدا به دیگران طعام بدهد.

هم‌چنین اگر کسی خواب ببیند که ماری قصد نیش زدن او را دارد، نشانه‌ی آن است که خطری وی را تهدید می‌کند و یا اگر مار در خواب کسی را بگزد، کسی که در خواب گزیده شده، دشمن دارد و دشمن او در ارتباط با او (شخص گزیده شده) به مراد و خواسته‌های بد خود می‌رسد. ولی اگر شخص در خواب آن مار را بگشد، تعبیرش این است که بر دشمن خود پیروز خواهد شد.

طبق باوری دیگر، مار به‌طور عمومی در خواب، نماد زیان است. جالب این جاست که یکی از معانی واژه‌ی «مار» در زبان‌های فارسی میانه (پهلوی) و سنسکریت مفهوم «زیانکار و تباہ‌کننده» است. برخی از ترکمنان نیز بر این باورند که هر ماری در خواب نماد دشمنی نیست، بلکه تنها مار سیاه‌رنگ به دشمن تعبیر می‌شود.

برخلاف تمام موارد یادشده در مورد نماد و تعبیر منفی مار در خواب، طبق باوری دیگر، اگر مار را در خواب ببینی، آن مار نماد گنج و ثروت محسوب می‌شود و علامت رسیدن به مال و منال خواهد بود. البته به نظر می‌رسد این مار، باید غیر از مار سیاه و احتمالاً مار سفید باشد!

#### ■ مار به عنوان نماد گنج و ثروت

در بسیاری از فرهنگ‌های کهن و اساطیر باستان، مار را نگاهبان جهان زیرین، یا دنیای زیر زمین می‌دانند. از طرف دیگر در برخی فرهنگ‌ها مار نماد زاینده‌گی، باروری و رزق و روزی محسوب می‌شود. بر همین اساس مار را نگاهبان دفاینه‌ها و گنج‌های پنهان در زیر زمین می‌دانند. حال با وجود این که ترکمن‌های کنونی به هیچ‌یک از این نمادهای مثبت مار باور ندارند، اما گروه کثیری از آنان بر این باورند که مار به عنوان موجودی خطرناک و آسیب‌رسان و دشمن انسان، نگهبان گنج‌های پنهان در زیر زمین است و تلاش می‌کند که مانع دستیابی انسان به این گنج‌ها شود. براساس همین اعتقادات، برخی از ترکمن‌ها باور دارند که اگر یک مار هر روز در یک جای مشخص بیاید و در همان جا به دور خود بپیچد و بخوابد، نشانه‌ی آن است که در آن جا طلا وجود دارد. علاوه بر این همان‌طور که پیش از این گفته شد، ترکمنان سالور بر این باورند که مار سفید از گنج محافظت می‌کند و به همین دلیل گشتن مار سفید را بدشگون می‌دانند.

طبق باوری دیگر، اگر کسی در سال نو موفق به دیدن نخستین ماری شود که [از خواب زمستانی

برخاسته و] در فصل بهار ظهور کرده است؛ می‌گویند که آن شخص در آینده صاحب ثروت خواهد شد. هم‌چنین براساس باوری دیگر نزد قوم ترکمن، اگر کسی در سرزمین کشاورزی، دو مار را ببیند که درهم پیچیده و مشغول برقراری ارتباط با یکدیگر هستند، آن‌گاه آن شخص پتو یا کاپشن خود را روی آن دو مار بیندازد، آن روز یا فردایش، مارها برای او طلا خواهد آوردند.

برخی از ترکمن‌ها باور دارند کسی که پای مار را دیده، یا ثروتمند خواهد شد و یا فقیر. یعنی به هر تقدیر شرایط مالی و اقتصادی او دچار تغییر خواهد شد؛ خواه این تغییر مثبت و رو به فزونی باشد و یا منفی بوده و رو به کاهش برود!

براساس همین باورها، برخی از معتبرین ترکمن، دیدن مار در خواب را به وجود گنج، یا دست‌یابی به مال و ثروت تعبیر می‌کنند؛ چنان‌که ضرب‌المثل ترکمنی «یئلانی دؤیش ونگده گورسینگ گنج، هوشونگدا گورسینگ پنچ» به معنی «اگر مار را در خواب دیدی، نشانه گنج است، ولی اگر در بیداری دیدی، آن را بزن»، یادآور همین باور است.

براساس اسطوره‌های یونان باستان، هسپریدها پری‌ها یا حوری‌هایی بودند که از درخت سیب طلایی با شاخه‌ها و برگ‌ها و میوه‌هایی از جنس طلا، محافظت می‌کردند و اژدها-مار حامی آن‌ها بود. درواقع این اژدها-مار صدسُر که «لادون» نامیده می‌شد، از جانب این پری‌ها مسؤولیت نگاهبانی سیب‌های طلا را برعهده داشت. بدین ترتیب این اسطوره به نوعی با مار که نگاهبان گنج‌های زیرزمین است، دارای تشابهات و اشتراکاتی می‌باشد.

### ■ امتناع از بر زبان راندن نام مار

برخی از مردم نام مار را بر زبان نمی‌آورند. مردم گیلان «اگر ماری را در مزرعه ببینند، نام‌اش را بر زبان نمی‌آورند، تا کار شالیزار هم‌چون قد مار به درازا نکشد. برخی باور دارند که اگر کلمه‌ی «مار» را بر زبان بیاورند، بر تعداد مار در شالیزار (بجار) افزوده خواهد شد. بنابراین، به جای کلمه‌ی «مار»، اصطلاح «دُم‌دراز» را بیان می‌کنند.

ترکمن‌ها نیز نام برخی از حیوانات و بیماری‌ها را به زبان نمی‌آورند. به عبارت دیگر، ذکر نام برخی از پدیده‌ها را بدشگون و نامیمون می‌دانند؛ مثلاً مار و عقرب را «آدی یسر» (زشت‌نام) می‌خواندند. در برخی از مناطق ترکمن‌نشین نیز، بردن نام مار را نحس می‌دانند و به مار «آدی‌قالان» (یعنی نام‌اش مطرود شده) می‌گویند؛ چنان‌که در زبان فارسی نیز وقتی می‌خواهند به کسی اشاره کنند که نباید نام او را به زبان بیاورند، آن را با عبارت و اصطلاح «اسم‌اش را نَبَر» خطاب می‌کنند. به عبارت دیگر، نمی‌گویند: «ماری دیدم»، بلکه می‌گویند: «آدی‌قالان» دیدم. به اعتقاد این گروه از ترکمن‌ها، اگر کسی نام مار را به زبان بیاورد، مار پدیدار خواهد شد. درضمن، در برخی مناطق ترکمن‌نشین دیگر، مار را «قویروق حیوان» می‌گویند، که به معنی «حیوان دُم‌بریده» است.

به‌رغم باورهای یادشده در مورد امتناع از ذکر نام مار، همان‌طور که قبلاً بیان شد، گروهی از ترکمنان بر این باورند که اگر کسی ماری را ببیند و فریاد بزند: «ییلان!»، یعنی «مار!»، مار با شنیدن اسم‌اش سریع از آن جافرار می‌کند.

**■ برخی خواص مثبت و منفی مار**

از گذشته‌های دور پوست مارها، به ویژه پوست مارهای سمّی، کاربرد زیادی در طب سنتی اقوام مختلف جهان داشته است. در گونه‌های مختلف طب سنتی، زهر و روغن و پوست مار کاربرد زیادی داشته، پوست مار نیز به دو صورت پوست کهنه‌ی ماری که پوست انداخته و دیگری پوست تازه‌ی ماری که گشته شده، مورد استفاده قرار می‌گرفته است. در علم‌الطبایع یا همان مزاج‌شناسی، پوست مار را به‌طور کل -صرف نظر از این‌که متعلق به چه نوع ماری باشد- دارای طبعی گرم و خشک دانسته و آن را به شکل‌های مختلف؛ اعم از ورقه‌ی خشک‌شده‌ی پوست مار، یا خاکسترِ پوست سوزانده‌شده‌ی مار و یا پودر پوست خشک‌شده‌ی مار که با مواد دیگر ترکیب شده، به عنوان داروی خوراکی، یا بخور و یا پماد جلدی، برای درمان بیماری‌های گوناگون مورد استفاده قرار می‌داده‌اند. البته برخی از این روش‌ها دارای منشاء تجربی بوده و برخی دیگر منشاء خرافی دارند.

در بین ترکمنان نیز این باور وجود دارد که اگر کسی پوست مار را و جب کند، هیچ‌گاه دست‌اش عرق نمی‌کند.

در باوری دیگر نزد قوم ترکمن، اگر دختران باکره از روی مار بپزند، پرده‌ی بکارت خود را از دست خواهند داد. به‌نظر می‌آید این باور از یک‌سوریشه در نمادینه شدن مار به عنوان سمبل نرینگی دارد، از سوی دیگر نوعی پیام بهداشتی برای جلوگیری از بروز خطرهای احتمالی محسوب می‌شود و در نهایت اشاره به باور حلول اهریمن در قالب مار دارد و درواقع این اهریمن است که وقتی دختران از روی او می‌پزند، بکارت آنان را می‌گیرد.

\*\*\*

**■ تذکرا:** مجموعه مقالات باورهای ترکمنان در ارتباط با جانوران در شماره آتی فصلنامه میرداماد به پایان خواهد رسید.

**■ تذکر ۲:** پانویس‌ها در دو صفحه بعد ضمیمه شده است.

### پانویس‌ها

- ۱- سالاری‌نیا، سبحان. ۱۴۰۱.
- ۲- ابن‌فضلان. ۲۵۳۵ (۱۳۵۵): ۸۰.
- ۳- کبیری. ۱۳۹۳: ۴۵.
- ۴- سالاری‌نیا، سبحان. ۱۴۰۱.
- ۵- بدخشان، قربان‌صحت. ۱۴۰۰.
- ۶- فرنیخ‌دادگی. ۱۳۸۰: ۱۲۱-۱۲۰.
- ۷- فرنیخ‌دادگی. ۱۳۸۰: ۱۲۰.
- ۸- الیاسووا. ۲۰۰۵: ۱۳۹.
- ۹- نوروزی، محمد و بهاری، سلطان. ۱۴۰۰.
- ۱۰- الیاسووا. ۲۰۰۵: ۱۳۹.
- ۱۱- مخدومی، نعمان. ۱۳۹۸.
- ۱۲- اسکلیپیوس با نام‌های اسکولاپیوس، اسقلیبیوس، افیوکوس، افیوخوس و اوافچوس نیز شناخته می‌شود.
- ۱۳- بنابر روایتی دیگر، زئوس، اسکلیپیوس را به شکل یک مار درآورده و به آسمان می‌فرستد.
- ۱۴- ن.ک به کارترو، نرم امسی. ۱۴۰۱؛ فشنگ‌ساز، نیلوفر. ۱۳۸۹.
- ۱۵- ن.ک به مک‌کال، هنریتا. ۱۴۰۲؛ بلک، جرمی و گرین، آنتونی. ۱۳۹۲؛ ژیران، ف و لاکوئه، گ و دلپورت، ل. ۱۳۷۵، ص ۶۱.
- ۱۶- همواره در بین همگی ترکمانان خدای اصلی «تنگری» (تانگری/ تانری) نامیده می‌شده است؛ چنان‌که پس از پذیرش اسلام نیز خدای تعالی را که همان «الله» اعراب باشد، «تنگری» نامیدند.
- ۱۷- ابن‌فضلان. ۲۵۳۵ (۱۳۵۵): ۸۰.
- ۱۸- نوروزی، محمد و بهادری، سلطان. ۱۴۰۰.
- ۱۹- سالاری‌نیا، سبحان. ۱۴۰۱.
- ۲۰- قُجُق، امیرحسین. ۱۴۰۱.
- ۲۱- الیاسووا. ۲۰۰۵: ۱۳۵؛ نوروزی، حمیدرضا و قزلجه، یاسین و قُجُق، امیرحسین. ۱۴۰۱.
- ۲۲- الیاسووا. ۲۰۰۵: ۱۳۵.
- ۲۳- سالاری‌نیا، سبحان. ۱۴۰۱.
- ۲۴- نوروزی، محمد. ۱۴۰۰.
- ۲۵- خوارزمی. ۱۳۹۲: ۵.
- ۲۶- فلاح، صیدنور. ۱۴۰۱.
- ۲۷- الیاسووا. ۲۰۰۵: ۱۳۹؛ نوروزی، حمیدرضا. ۱۴۰۱.
- ۲۸- اورأیف. ۱۹۹۳: ۴۵؛ الیاسووا. ۲۰۰۵: ۱۳۸.
- ۲۹- تاتلیلی‌اوغلو. ۲۰۰۰: ۱۶۱.



- ۳۰- نوروزی، حمیدرضا. ۱۴۰۱.
- ۳۱- نوروزی، حمیدرضا. ۱۴۰۱.
- ۳۲- فلاح، صیدنور. ۱۴۰۱.
- ۳۳- سالاری نیا، سبحان. ۱۴۰۱.
- ۳۴- تاتلیلی اوغلو. ۲۰۰۰: ۱۶۱.
- ۳۵- حسن زاده آملی، حسن. ص ۲۶۱. به نقل از ابن سینا در طبیعیات شفا.
- ۳۶- تاتلیلی اوغلو. ۲۰۰۰: ۱۶۳.
- ۳۷- بدخشان، قربان صحت. ۱۴۰۰.
- ۳۸- الیاسووا. ۲۰۰۵: ۱۳۳؛ علی پور، بنیامین. ۱۴۰۰؛ بهمن، مینا. ۱۴۰۲.
- ۳۹- الیاسووا. ۲۰۰۵: ۱۳۳.
- ۴۰- ذوالفقاری. ۱۳۹۵: ۹۸۳.
- ۴۱- الیاسووا. ۲۰۰۵: ۱۳۳.
- ۴۲- طاطاری، محمدصفا. ۱۴۰۱.
- ۴۳- طاطاری، محمدصفا. ۱۴۰۱.
- ۴۴- سالاری نیا، سبحان. ۱۴۰۱.
- ۴۵- غوج مؤرادوف. ۱۹۹۵: ۲۵؛ الیاسووا. ۲۰۰۵: ۱۳۸.
- ۴۶- سالاری نیا، سبحان. ۱۴۰۱.
- ۴۷- دیدار، محمدقاسم دیدار. ۱۴۰۱.
- ۴۸- برزین، ابوالفضل. ۱۴۰۱.
- ۴۹- الیاسووا. ۲۰۰۵: ۱۳۶.
- ۵۰- سالاری نیا، سبحان. ۱۴۰۱.
- ۵۱- بشر. ۱۳۸۶: ۹۴.
- ۵۲- آق آتابای. ۱۳۸۱: ۵.
- ۵۳- خوجه، ولی محمد. ۱۴۰۰.
- ۵۴- قُجُق، امیرحسین. ۱۴۰۱.
- ۵۵- غوج مؤرادوف. ۱۹۹۵: ۲۵؛ الیاسووا. ۲۰۰۵: ۱۳۸.
- ۵۶- پناهی، جمال الدین. ۱۴۰۱.

## ■ فهرست منابع در دفتر نشریه موجود است